



**برنامه گنج حضور با اجرای پرویز شهبازی
را در سایت زیر تماشا فرمایید.**

www.parvizshahbazi.com



پیغام عشق

قسمت سبب و دوازدهم





خانم بہار



نکاتی از برنامه ۸۶۵ گنج حضور:

👉 دوجور من داریم؛ یکی قائم به ذات از جنس زندگی و خداست که اصلاً به جهان احتیاج ندارد و دیگری مجازی و از جنس فکر است. یعنی از دیدن برحسب جسم‌ها و پشت سر هم قرار دادن آن‌ها، یک تصویر ذهنی جسمی به نام من ذهنی به وجود می‌آید که از جنس فکر بوده و در زمان مجازی گذشته و آینده زندگی می‌کند و در زمان تغییراتش را اندازه می‌گیرد. چرا که اندازه‌گیری تغییرات همیشه با زمان صورت می‌گیرد. اما من اصلی، خدایت هیچ تغییری نمی‌کند، چون از جنس جسم نیست.

👉 داستان زندگی ما داستان تغییرات من‌ذهنی ما در زمان است. هرکسی که عمیقاً درک کند من‌ذهنی یک چیز مجازی و توهمی است، به این لحظه می‌آید و من‌ذهنی از هم می‌پاشد. علت این که من‌ذهنی وجود دارد این است که تغییرات داستان زندگی ما از ابتدا برای ما عینی بوده و با آن هم‌هویت هستیم. همین‌طور به صورت مجازی در ذهن ما ثبت شده است. شما یک چیزی در نظر بگیرید، وجود ندارد ولی ذهن آن را می‌بیند؛ مثلاً دیروز یا پنج سال پیش که وجود ندارد. ولی قصه ما به صورت تغییرات من‌ذهنی وجود دارد. تا زمانی که این من‌ذهنی از هم نپاشد، ما به این لحظه ابدی نمی‌آییم.

✍️ خشم و رنجش شوخی نیست، انسان را می‌سوزاند؛ در درون می‌ماند و ته‌نشین می‌شود؛ و انسان با آن‌ها هم‌هویت شده. بعد با مردم دشمن می‌شود. رنجش، مسئله ایجاد می‌کند و مرتب انباشته شده و تبدیل به کینه و دشمنی می‌شود و این‌گونه من‌ذهنی موفق می‌شود انسان را نابود کند!

✍️ همانیدگی یک مین است، بالاخره منفجر خواهد شد. وقتی این همانیدگی‌ها منفجر می‌شوند، ما می‌رنجیم! اگر همانیدگی و توقع نبود، رنجش و دردی وجود نداشت. رنجش، زندگی زندگی نشده و به دام افتاده است. ما می‌رنجیم، برای این‌که از دنیا توقع داریم! اگر ما بفهمیم که دنیا، اجسام و آدم‌ها زندگی ندارند و زندگی را باید با فضای گشوده‌شده از خود زندگی بگیریم، دیگر خودمان را به دام نمی‌اندازیم. خدا نمی‌رنجد. ما هم از جنس او هستیم. هرکسی می‌رنجد، از جنس من‌ذهنی است.

👉 اگر ما من ذهنی را متلاشی نکنیم و با خدا و زندگی یکی نشویم، نیروی زنده کننده زندگی به ما نمی‌رسد و هیچ چیزی نمی‌تواند جایگزین آن باشد. ما با فضاگشایی، بهره و نصیبمان را از این انرژی تعیین می‌کنیم و با وحدت مجدد با زندگی از آن بهره‌مند می‌شویم.

👉 هرکسی من ذهنی دارد، برای شما نمی‌تواند کاری یا لطفی انجام دهد. پس از کسی چیزی نخواهید، گدای او نشوید. اگر او آن چیز را به شما بدهد، باز هم فایده‌ای ندارد.

👉 اگر دردهای زندگی شما زیاد شده، به این دلیل است که شما با چیزها و دردهای مختلف همانیده هستید. از اول یکسری چیزها را در مرکزتان گذاشته و با دیدن از طریق آنها درد ایجاد کرده‌اید، دردها را هم به خودتان اضافه کرده؛ و همیشه در فکر ایجاد درد هستید و درد پخش می‌کنید؛ و انسان‌های دردمند را به زندگی‌تان جذب کردید و با ارتعاش درد آنها، درد بیشتری تولید می‌کنید. این طور نیست که خداوند با شما دشمن بوده و این بلاها را بر سر شما آورده‌است. اگر این‌ها را در خودتان ببینید، می‌گویید دیگر نمی‌خواهم به این وضع ادامه دهم!

👉 شما باید به صورت حضور ناظر، مواظب مسئله سازی من ذهنی تان باشید! خیلی جاها اصلاً موضوع به ما مربوط نیست. هیچ فایده‌ای هم برای ما ندارد. اما ما در کار مردم دخالت می‌کنیم. آن‌ها را نصیحت کرده و می‌گوییم: شما اشتباه می‌کنید، این طور عمل کنید، زندگی تان غلط است، بگذارید من بگویم چگونه زندگی کنید! به طور کلی دخالت در زندگی دیگران و تمرکز روی آن‌ها و تمرکز را از روی خود برداشتن، در واقع پله اول مسئله سازی است. همین که شما تمرکز را از روی خود برمی‌دارید و بر روی دیگری می‌گذارید، می‌خواهید آن شخص را عوض کنید، شما دارید مسئله می‌سازید.

ذهن می‌گوید، این آقا یا این خانم نمی‌گذارد من زندگی کنم یا به هدفم برسم! اگر این افراد در زندگی من نبودند، اگر وضعیت این طور نبود، به خوشبختی می‌رسیدم. اما این‌ها موانع ذهنی است که شما خودتان ساخته‌اید!

👉 به جای عوض کردن دیگران، کافی است هرکسی روی خودش کار کند. ما باید این نصیحت مولانا را گوش کنیم که من باید تا ابد روی خود کار کنم. اگر زندگی از من ساطع شد، مردم خودشان ارتعاشش را می گیرند؛ لزومی ندارد من در کار مردم دخالت کنم.

👉 بسیاری از انسان ها در این جهان مشغول خرابکاری هستند و جامعه را خرابتر از آن چیزی که هست می کنند؛ به خانواده و حتی به چهار بعدشان هم لطمه می زنند و خودشان را خدمتگزار مردم می دانند. در صورتی که خدمت فقط زمانی میسر است که شما مرکزتان را عدم کنید. اگر شما دائماً فضاگشایی می کنید، به زندگی ارتعاش دارید و شادی زندگی را پخش می کنید، می توانید روی دیگران اثر خوب بگذارید؛ این خدمت است. اما وقتی منقبض باشید، واکنش نشان دهید، این خدمت نیست؛ خرابکاری است.

👉 این مهم است که شما بدانید چیزی که باید در ما وسعت پیدا کند و ما به آن تبدیل شویم، هم اکنون در ما وجود دارد؛ آن چشمِ عدم‌بین که آسمان را می‌بیند، سکوت را می‌شنود؛ اما ما هر لحظه مقاومت می‌کنیم، منقبض شده، آن فضای عدم را می‌بندیم و به صورت فکر، بلند می‌شویم.

در ما یک مرکز و فضای خلاق وجود دارد؛ و آن خود خدا و زندگی است. می‌خواهد از طریق ما خلاقیتش را نشان دهد. وقتی شما از مرکز عدم خلق می‌کنید، آن فکر نو است؛ فکر شخص دیگری نیست که شما با آن همانیده باشید!

👉 ما باید ابیات برنامه را یادداشت کرده و تکرار کنیم. اگر این ابیات به اندازه کافی تکرار شوند، به موقع می‌توانیم از آن‌ها استفاده کنیم. وقتی پای ما می‌لغزد، این ابیات کمک می‌کنند که نلغزیم؛ یا وقتی دوباره به ذهن می‌افتیم، کمک می‌کنند دوباره بلند شویم.

همچنین شما باید مواظب باشید که با چه کسی دوست می‌شوید و از چه کسی نصیحت می‌شنوید. سخنان بزرگانی مثل مولانا، واقعاً راهنمایی‌کننده هستند.

👉 وقتی انسان‌ها کاری را به صورت‌های مختلف انجام می‌دهند، نه بد است نه خوب. بلکه راه‌ها و شیوه‌های مختلف انجام کار است. برای انجام هر کاری، شما به سوهای مختلف می‌روید، انرژی زندگی را در فکرهای مختلف سرمایه‌گذاری می‌کنید. اما نکته قابل توجه این است: آیا شما به زندگی وصل هستید؟ آیا این لحظه که فکر و عمل می‌کنید، زندگی از طریق شما فکر و عمل می‌کند؟ یا اینکه فکر و عملتان از من‌ذهنی، از الگوهای فکری می‌آید.

👉 اتفاق این لحظه برای زندگی دادن به ما نیست، برای بیدار کردن ما از خواب ذهن است؛ برای این نیست که ما احساس خوشبختی یا بدبختی کنیم، برای این است که ما از خواب ذهن بیدار شویم.

👉 هیچ موقع با وضعیت این لحظه با انقباض و واکنش مواجه نشو. اگر شدی، بدان که اشتباه کردی و به دام افتادی. در اثر انقباض و مقاومت است که قربانی اتفاق این لحظه می شویم. ما به دست خودمان قربانی شده ایم. هر کس در اطراف اتفاق این لحظه فضاگشایی می کند، در دام خداست و در نتیجه از هزاران دام آزاد شده است.

👉 تقریباً همه من‌های ذهنی به دنبال احترام، ستایش، قدردانی، تأیید و توجه مردم هستند. ستایش می‌تواند به صورت احترام، توجه، ارزش‌گذاری و اعتبار هم باشد؛ مثلاً به ما می‌گویند: تو آدم مهمی هستی، بسیار می‌دانی و ما خوشمان می‌آید! اما اگر می‌خواهید در این مسیر معنوی از آسیب مردم در امان باشید، ستایش آن‌ها را جدی نگیرید. چون فقط در این صورت است که مردم دست از سر شما برداشته و مورد سوءاستفاده قرار نمی‌گیرید؛ در نتیجه می‌توانید در این راه معنوی سالم قدم بردارید.

👉 تمام روابط در دنیا باید بر پایه عشق استوار باشد. عشق یعنی منفصل شدن، بریدن و جداشدن از من ذهنی، به بی‌نهایت خدا زنده‌شدن و زنده ماندن؛ بیدارشدن از خواب ذهن و بیدار ماندن؛ از طریق آن یک زندگی با همدیگر ارتباط داشتن. رابطه پدر و مادر با بچه‌شان از روی عشق است. رابطه پدر و مادر با هم، باید براساس عشق باشد، نه به‌خاطر سبب‌های ذهنی!

👉 خدمت و کار اصلی ما این است که همانیدگی‌ها را شناسایی کنیم و بیندازیم و به خدا زنده شویم. ولی ما شرمنده خدا شدیم و در من ذهنی باقی ماندیم و به منظور اصلی آمدن به این جهان، جامه عمل نپوشاندیم.

👉 من های ذهنی دائماً حرف های منفی، کسل کننده و استرس آور می زنند! هیچ خلاقیتی، راه حلی از صحبت های آنها نمی آید! مرتب در حال عیب جویی و انتقاد از وضع موجود هستند؛ با این تفاسیر، وقت ما در من ذهنی تلف می شود؛ وقت ما می توانست صرف فضاگشایی و آوردن راه حل از زندگی بشود. ما می توانستیم خلاق باشیم، راه حل پیدا کنیم و آگاهانه کار کنیم؛ کاری که از فکر آگاهانه سرچشمه بگیرد و فکر آگاهانه ای که از فضای حضور، از مرکز عدم می آید، خرد و شادی زندگی به آن می ریزد. وقت ما می توانست صرف این موضوع ها شود!

👉 انسان از عهده هر چالشی برمی آید. می تواند امتحانات سخت علمی بدهد، روزی شانزده ساعت در شرایط بد و سخت کار کند، گرسنه بماند، کم بخورد. ولی نمی تواند با استرس و با انرژی بدی که از طریق قرین به او می رسد، سر کند! انسان نمی تواند مرتب و هرروز درد را از آشنایان و خویشاوندانش جذب کند و درد بیشتری انباشته کند؛ تحت این شرایط، هشیاری انسان در من ذهنی، با ایجاد درد می میرد و انسان بی رمق می شود.

👉 زمانی که به طور مداوم یک ترس، باور و یا اظهار نظر ذهنی در فضای باز شده همراه ما وجود دارد، باید آگاه باشیم که فضا را درست باز نمی کنیم! یا واقعاً نمی خواهیم به من ذهنی بمیریم! ما باید یک دفعه تصمیم بگیریم و با تامل بگوییم که این من ذهنی حقیقتاً به درد من نمی خورد؛ و آن را رها کنیم. چرا کم کم، تکه تکه، آرام آرام آن را رها می کنیم؟ یا می گوییم حالا ببینیم چه پیش می آید؛ تمام این بهانه ها از فتنه های من ذهنی می آید.

👉 اشکال بعضی از بینندگان این است که برای گوش دادن به برنامه گنج حضور سبب‌های ذهنی دارند! حتی بعضی‌ها به برنامه گوش می‌دهند که همسرشان را عوض کنند! منظور این برنامه این نیست! هدف این برنامه تبدیل من ذهنی به هشیاری حضور، یکی شدن با زندگی است؛ و برای این امر باید دائماً فضاگشایی کنیم و با توجه به صحبت‌های مولانا و آیه‌های قرآن، قبول کنیم که تبدیل شدن هرکسی از من ذهنی به من واقعی و زنده شدن به بی‌نهایت خدا می‌تواند بدون درد صورت بگیرد. شما تمام کوششتان را می‌کنید تا این همانیدگی‌ها و دردها را از مرکزتان بیرون کنید، به بی‌نهایت او زنده شوید و خدا با شما کار دارد! زندگی می‌خواهد که شما خدمت کنید. شما نمی‌دانید خدمت چیست. اول باید مرکزتان را عدم کنید، اتفاقاً این هم خدمت به حساب می‌آید؛ البته اگر ما هشیاران فضاگشایی کنیم، مرکزمان را عدم نگه‌داریم، خداوند از لامکان قدم به مرکز ما می‌گذارد و جهنم ما را خاموش کرده، دردها و رنجش‌های ما را نیز شفا می‌دهد.

👉 هر موقع شما تسلیم می‌شوید یا فضاگشایی می‌کنید، در واقع به زندگی زنده می‌شوید. اما نباید انتظار شنیدن پیغامی در ذهنتان باشید و به آن دلیل به این کار ادامه دهید؛ در غیر این صورت به کار روی خود ادامه نمی‌دهید! نباید بگذارید ذهنتان دخالت کند. برای این که ذهن هشیاری جسمی است. شما در فضای هشیاری عدم و بی‌فرم کار می‌کنید.

👉 ارزیابی پیشرفت معنوی با معیارها و سنجش‌های ذهنی درست نیست. من ذهنی نمی‌تواند پیشرفت معنوی شما یا عشق و اندازه زنده شدن شما به خدا را اندازه بگیرد، برای این که خودش از آن جنس نیست! اگر شما به برنامه گنج حضور گوش می‌کنید، پیشرفت کرده‌اید. نمی‌شود شما حتی یک‌بار فضا را باز کنید، آن یک‌بار سبب پیشرفت شما نشده باشد. آن یک‌بار هم، روی شما اثر داشته‌است.

اثر چندین بار فضاگشایی در درون، قابل اندازه‌گیری نیست. ولی آثارش در روابطتان، در زندگی بیرون، مشخص می‌شود. ولی حتی شما آن چیزی را که ذهن در بیرون نشان می‌دهد، آن را هم ملاک نگیرید! برای این که من ذهنی از آن جا وارد می‌شود و منحرف می‌شوید. شما را به مقایسه با دیگران وا می‌دارد. نگذارید من ذهنیتان شما را ناامید، دل‌شکسته و منصرف کند و یا پیشرفتتان را اندازه بگیرد!

👉 اگر خداوند نخواهد چیزی را به ما بدهد، به ما اصلاً آن را نشان نمی‌دهد. به عنوان مثال، ما یادمان می‌افتد باید مولانا بخوانیم؛ گنج حضور گوش دهیم، و روی خود کار کنیم. باید آن‌ها را جدی بگیریم. اگر توجه نکنیم، من ذهنی روی این فکرها را می‌پوشاند و ما را پشیمان می‌کند می‌گویید، این فکر درستی نیست!

وقتی آرام هستید، پیغام معنوی در درون خودش را به شما نشان می‌دهد. مطمئن باشید زندگی به گوش خودش در شما، که او هستید، می‌گوید و شما می‌شنوید؛ این پیغام و تقاضای زندگی است.

✍ غیر از ذهن و افکارمان، بقیه ابعاد ما در اختیار زندگی هستند. تنها فکر کردن است که برای خودش مستقل شده و یک من‌ذهنی درست کرده است. در حالی که این فکر کردن هم، باید در اختیار زندگی قرار گیرد. بدن ما در اختیار زندگی است. اما ما با ذهنمان و دید هشیاری جسمی در کار بدن اخلال می‌کنیم. ما با افکار منفی، به جسم خود لطمه وارد می‌کنیم. افکار و هیجانات منفی مثل خشم، ترس، حسادت به بدنمان اعمال شده و بیمار می‌شویم. ما باید با سکوت و فضاگشایی فکر و ذهنمان را نیز در اختیار زندگی قرار دهیم.

👉 وقتی شما در مسیر معنوی کار می کنید، نگوید من که می خواهم روی خود کار کنم، آیا واقعاً خدا هم می خواهد؟! این سؤال را نکنید! اگر او نمی خواست، شما روی خود کار نمی کردید.

سؤال هایی که آقای شهبازی در برنامه ۸۶۵ گنج حضور مطرح فرمودند:

👉 آیا شما این لحظه، در اطراف اتفاق این لحظه فضا باز می کنید؟ تسلیم خدا می شوید؟

👉 آیا می گوید که قضا این اتفاق را به وجود آورده و من بدون قید و شرط می پذیرم؟ آیا به زندگی می گوید بله! از جنس تو هستم، فضاگشایی می کنم، مقاومت نمی کنم؟

👉 آیا با من ذهنی، مرتب اندازه می‌گیرید که چه قدر به حضور رسیده، چه قدر پیشرفت کرده‌اید؟

👉 آیا در مسیر تبدیل شدن، صبر ندارید و می‌پرسید:
چرا من به حضور نمی‌رسم؟ پس کی به خدا زنده می‌شوم؟ چقدر باید به مولانا و گنج حضور گوش بدهم؟
چرا وضع من درست نمی‌شود؟ پس کی خدا به من توجه می‌کند؟

👉 این همه توقع، توقع از همسر، از فرزندان، از پدر و مادر، از جامعه در شما از کجا آمده است؟

👉 آیا می توانیم بر حسب همانیدگی ها فکر و عمل نکنیم؟

👉 آیا چون فکرتان متفاوت و خلاق است شرمنده می شوید؟ و آیا شما باید از جمع تقلید و پیروی کنید؟

👉 آیا ما می توانیم هشیاریمان را در ذهن سرمایه گذاری نکرده، از ذهن جدا کنیم و روی پای زندگی، روی ذات بی نهایت عمیق خودمان بایستیم؟

👉 آیا می توانیم به بی نهایت خدا زنده شده و زندگی کنیم؟



خانم دیبا از کرج



با سلام 🙏

با استفاده از صحبت‌های جناب شهبازی از برنامه پیغام‌های ویژه برنامه ۸۶۰ گنج حضور، مطالب ارزنده‌ای را بیان می‌کنم. 🌸🌸🌸

برنامه پیغام‌های معنوی گنج حضور بهترین و آموزنده‌ترین برنامه‌های جهان می‌تواند باشد. چون با بهترین ابیات مولانا که بیدار کننده است، آشنا می‌شوید. وقتی ما معنوی می‌شویم، خدا و زندگی از طریق ما صحبت می‌کند. به تدریج که ما همانیدگی‌ها را از دست می‌دهیم، آگاه می‌شویم که ما از جنس زندگی هستیم، نه از جنس همانیدگی‌ها. ما این جسم ساخته شده از فکر و درد نیستیم.

وقتی زندگی خودش را به ما نشان می‌دهد، شک ما بر طرف خواهد شد. علت اینکه به حضور نمی‌رسیم، چون شک داریم و در فضای تقلید هستیم؛ و هر لحظه یک چیز تقلیدی فعال شده و ما را زیر سلطه خودش می‌گیرد. من ذهنی تصور می‌کند که سن آدم هر چه بالاتر رود، عقل او هم بالا می‌رود، این طور نیست:

پیر، پیر عقل باشد ای پسر
نه سفیدی موی اندر ریش و سر
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۱۶۳

یک انسان در بیست سالگی می تواند به خرد الهی زنده شود؛ و یک انسانی در هفتاد سالگی با عقل من ذهنی و عقل دردها، زانوی غم بغل کند که بچه‌هایم به من زنگ نمی‌زنند و یا دیگران مرا چگونه قضاوت می‌کنند و یا این همه درد دارم، اینها عقل من ذهنی است.

انسان خردمند، انرژی‌اش در جهان پخش می‌شود، منتهی دیده نمی‌شود. در راستین بودن و ناظر من ذهنی خود بودن، می‌توانیم انرژی خوب را به جهان پخش کنیم. مولانا می‌گوید: از دل انسان هزار جور برکت، به جهان پخش می‌شود.

غیر نطق و غیر ایماء و سجل
صد هزاران ترجمان خیزد ز دل
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۱۲۰۸

غیر از گفتگو و اشاره و نوشتن، صد هزار جور انرژی و برکت از دل راستین انسان به کائنات پخش می‌شود. شما می‌توانید از مقاومت دیگران برای فضاگشایی و ورزش روحی، استفاده کنید؛ و می‌بینید که من ذهنی‌تان در برابر حرفهای مردم می‌خواهد واکنش نشان دهد. اما شما فضاگشایی کنید. هر موقع شما فضا را باز می‌کنید، یک چیزی در خودتان خواهید دید و زندگی خودش را به شما نشان خواهد داد. در این فضای گشوده شده، درد و مسئله خود را می‌بینید. هیچ لحظه‌ای نیست که خدا نخواهد به ما کمک بکند. اما این کار با فضاگشایی صورت می‌گیرد، نه اینکه فضا را ببندید و واکنش نشان دهید و از جنس درد و اتفاقات شوید. در این فضای گشوده، ما از خرد الهی بهره می‌گیریم و به او زنده می‌شویم و زندگیمان نظم و سامان می‌یابد و روابط ما بهتر می‌شود.

با فضاگشایی پخته‌تر و بالغ‌تر می‌شوید. قبل از صحبت کردن و واکنش نشان دادن، تأمل و پرهیز کنید. جوانان در آستانه تشکیل خانواده، به علت مقاومت و نشان دادن واکنش، قربانی من ذهنی خود می‌شوند. با فضاگشایی، شما می‌فهمید که رنجیدن ارزشی ندارد. خودتان را جدی نمی‌گیرید. حرفهای دیگران را که بر اساس من ذهنی دردمندشان، با عصبانیت می‌زنند را جدی نمی‌گیرید و رها می‌کنید. اگر فضاگشایی داشته باشیم، حرفها و ستیزه دیگران به ما بر نمی‌خورد و باعث رنجش ما نمی‌شود و در رابطه با کسانی که زندگی می‌کنیم، کینه حمل نمی‌کنیم. آدم خردمند، قربانی من ذهنی‌اش نمی‌شود. هر کسی که نسبت به نزدیکانش کینه و درد حمل می‌کند، قربانی من ذهنی‌اش شده است.

بزرگترها زندگی را در بچه‌ها می‌پوشانند و ناآگاهانه، آنها را تشویق به هم‌هویت‌شدن با چیزها، باورها و فکرها می‌کنند. بزرگترها می‌توانند به جای تشویق در خرید لباس، کفش، گوشی، کامپیوتر، با آنها غذا بپزند؛ با آنها ورزش کنند؛ با بچه‌ها کتاب و قصه بخوانند و با آنها در باغچه گل بکارند.

جهان بیرون انعکاس درون ماست. اگر کینه داشته باشیم، انعکاس آن، زندگی ما را خراب خواهد کرد. وضعیتهای زندگی برای بیداری ماست نه خوشبخت کردن و یا بدبخت کردن ما. ولی من ذهنی به وضعیتها می‌چسبم و آنها را مال خود می‌کند. حتی وضعیتهای ناگوار را به خود می‌چسبانم و از جنس درد می‌شود.

خود ندارم هیچ، به سازد مرا
 که ز وهم دارم است این صد عنا
 -مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۳۳۴

عنا یعنی درد و سختی. یعنی من به هیچ چیزی در این دنیا نمی‌چسبم که حالم را خوب کند. همین بیت و آگاهی جلوی من ذهنی را می‌گیرد و نمی‌تواند اتفاق این لحظه را مال خود کند و به خودش بچسباند. در غیر این صورت من ذهنی واکنش نشان می‌دهد، می‌رنجد، به ملامت خود و دیگران مشغول می‌شود و اوضاع را کاملاً نابسامان می‌کند. «داشتن» و «بودن» و «بودن» و «بودن» نیست. اتفاق این لحظه همیشه مربوط به زندگی است. با فضاگشایی در اطراف آن، ما از جنس زندگی و عدم می‌شویم. اگر وضعیت را مال خودمان بکنیم، مقاومت می‌کنیم و قربانی اش می‌شویم؛ و از فضاگشایی و عذر خواهی محروم می‌شویم.


با سپاس از زحمات جناب شهبازی و همیاران گنج حضور 🙏

دیا از کرج 🌸



با سپاس از بینندگان گنج حضور بابت ارسال پیغام‌های معنوی خود





برنامه گنج حضور با اجرای پرویز شهبازی
را در سایت زیر تماشا فرمایید.

www.parvizshahbazi.com